

تصویرسازی با عناصر طبیعت در شعر ایلام

با تکیه بر شعر ده شاعر معاصر ایلامی

علیرضا شوهانی^۱

مریم تکش^۲

چکیده

از دیرباز انسان با طبیعت و جلوه‌های متنوع آن در ارتباط بوده و مظاهر و زیبایی‌های طبیعت بر اندیشه‌ی آدمی تأثیر گذاشته و به ویژه در آثار ادبی و هنری، نمود چشمگیری یافته است. در ادبیات استان ایلام، ارتباط شاعران ایلامی با طبیعت و عناصر خیال‌انگیز آن به گونه‌ای است که نمی‌توان شعر آنان را جدای از طبیعت دانست؛ چرا که شاعران ایلامی در دامان طبیعت سبز ایلام با گل‌های رنگارنگ و کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی آن، بالیده و زندگی کرده‌اند و این جلوه‌های طبیعت به گونه‌ای زیبا و در قالب آرایه‌های ادبی در شعر آنان نمود یافته است.

تجلی عناصر طبیعت در شعر معاصر ایلام به گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را - از دیدگاهی - در چهار مقوله‌ی عناصر آسمانی، عناصر زمینی، عناصر اربعه، عناصر زمانی طبقه بندی نمود. بیشترین تجلی و کارکرد این عناصر، در چهار قالب استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه در شعر معاصر استان ایلام نمود یافته است. شاعر معاصر ایلامی بیشتر از آن که بخواهد با ذکر نام عناصر طبیعت در شعر خویش، به توصیف آن عناصر پردازد، از آن‌ها برای بیان رویدادها و وقایع گوناگون اجتماعی و مضامین انسانی و عاشقانه بهره برده است. سهم تجلی عناصر طبیعت در شعر معاصر ایلام در دو قالب استعاره و تشبیه، بیشتر از دو قالب کنایه و مجاز بوده است.

واژگان کلیدی: طبیعت، عناصر طبیعی، شعر معاصر ایلام، تصویرسازی.

^۱-استادیار دانشگاه ایلام ar_shohani@yahoo.com

^۲-کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و نویسنده مسئول Maryam.takesh@gmail.com

مقدمه

طبیعت و پدیده‌های رنگارنگ آن، از جمله موضوعات و دستمایه‌هایی است که شاعران پهنه‌ی ادب فارسی و به تبع آن، شاعران ایلامی به آن توجه داشته‌اند و از آن متأثر شده‌اند و این تأثیر را در اشعار خود به صورت عناصر خیال متعدد، به ویژه استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز نشان داده‌اند. شاعران معاصر ایلامی به تبعیت از پیشینه‌ی شعر ایلام و نیز بودن و بالیدن در طبیعت بکر منطقه، توانسته‌اند به زیبایی هر چه تمامتر از ظرفیت تصویر سازی با عناصر طبیعت در شعر خود بهره ببرند که این ویژگی، باعث تشخیص شعر معاصر ایلام شده و اهمیت پرداختن به این موضوع را دو چندان نموده است.

درباره‌ی پیشینه‌ی تحقیق می‌توان گفت: اگرچه در زمینه‌ی صورخیال در زبان فارسی - از گذشته تا کنون - آثار متعددی از جمله: کتاب معالم البلاغه از رجایی، صورخیال در شعر فارسی از شفیع کدکنی، بلاغت تصویر از فتوحی، بیان از شمیسا و ... نگاشته شده است؛ اما علی‌رغم پایایی و پویایی شعر ایلام از گذشته تا کنون، در شعر شاعران ایلام، تحقیق کامل و جداگانه‌ای در خصوص صورخیال - با استفاده از عناصر طبیعت - به انجام نرسیده است. این حقیقت نگارنده را بر آن داشت تا مقاله خود را در موضوع فوق و با عنوان «تصویرسازی با عناصر طبیعت در شعر ایلام» به انجام رساند.

در نگارش این مقاله، نخست تعریفی از تصویر بیان شده است. سپس، تصاویر ساخته شده با عناصر طبیعت مورد بررسی قرار گرفته است. سعی نگارندگان در این مقاله بر آن بوده است که بسامد عناصر طبیعت در تصویرسازی شعر شاعران ایلامی را مشخص نماید تا علاوه بر نشان دادن جنبه‌های زیباشناسی شعر معاصر ایلام، باعث معرفی هر چه بهتر و بیشتر شعر ایلام گردد و راه را برای انجام تحقیقات بعدی هموار نماید. برای این منظور، نگارندگان از منظر چهار عنصر سازنده‌ی علم بیان؛ یعنی استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز به بررسی تجلی عناصر طبیعت در شعر شاعران ایلام پرداخته‌اند. و برای این منظور، جلوه‌های طبیعی به کار رفته در شعر شاعران ایلام، در چهار مقوله‌ی عناصر آسمانی، عناصر زمینی (مکانی و غیر مکانی)، عناصر اربعه و عناصر زمانی دسته‌بندی نموده‌اند.

در این مقاله، در بحث از عناصر آسمانی به بررسی موضوعاتی چون خورشید و ماه... نظر داشته‌ایم و در بحث عناصر زمینی مکانی به بررسی موضوعاتی چون جنگل، کوه، دشت... و در بحث عناصر زمینی غیر مکانی به بررسی موضوعاتی چون جمادات و نباتات پرداخته‌ایم. در بحث عناصر اربعه، علاوه بر خود عناصر چهارگانه، آب، آتش و ... هر عنصر طبیعی را که زیر گروه آن‌ها قرار گرفته است، ذکر نموده‌ایم و در بحث عناصر زمانی به بررسی موضوعاتی چون اوقات (صبح و شب) و فصول (بهار و پاییز) نظر داشته‌ایم.

در این مقاله آثار ده شاعر برجسته‌ی ایلامی (عبدالجبار کاکایی، حبیب‌الله بخشوده، جلیل صفریگی، نعمت ... داودیان، محمدعلی قاسمی، بهروز سپیدنامه، ولی محمد امیدی، بهروز یاسمی، ظاهر سارایی و محمدرضا رستم پور) که به صورت مجموعه آثار به چاپ رسیده است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و بسامد عناصر طبیعت در تصویرسازی شعر آنان نشان داده شده است. نظر به گستردگی موضوع و کثرت اشعار، از ذکر آن دسته ابیاتی که سهم کمتری در تصویرسازی داشته‌اند، خودداری کرده‌ایم؛ اما در قسمت جدول‌ها و نمودارها به صورت کامل، میزان استفاده از آنها نشان داده شده است.

تعریف تصویر

تصویر عبارت است از: «هر گونه کاربرد مجازی زبان که شامل همه‌ی صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسنادمجازی، تشخیص، پارادوکس و ... می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴). دکتر شفیعی در این باره بیان کرده است «آنچه ناقدان اروپایی ایماژ می‌خوانند، در حقیقت مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه‌ی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمزگونه‌های مختلف ارائه‌ی تصاویر ذهنی می‌سازد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۰). می‌توان گفت: چهار عنصر مهم علم بیان: استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز، در واقع همان صورخیال هستند که در زبان شعرای طراز اول و به صورت‌های مختلف کاربرد می‌یابند.

۱. بررسی عناصر آسمانی و تجلی آن در شعر شاعران ایلام

آسمان و اجرام فلکی همواره توجه انسان‌ها را به خود جلب کرده، به ویژه عرصه‌ی وسیعی برای تصویرسازی شاعران فراهم ساخته است. شاعران نکته‌سنج ایلامی نیز مانند دیگر شاعران از این عناصر به منظور ساختن تصاویر تازه و بدیع بهره جسته‌اند. شاعران ایلامی از میان اجرام فلکی بیشترین تصویرسازی را با واژه‌ی آسمان و سه عنصر خورشید، ماه و ستاره داشته‌اند که شاید دلیل این امر شناخته‌تر و ملموس‌تر بودن این عناصر برای مخاطبان باشد:

۱.۱. آسمان

در وجه تسمیه‌ی آسمان گفته شده: «پارسیان او را نام آسمان کردند؛ یعنی مانند آس (آسا) از جهت حرکت» (یا حقی، ۱۳۸۶: ۴۳). شاعران ایلامی، با واژه‌ی آسمان تصاویر بدیعی خلق کرده‌اند و آن را دست مایه‌ی انتقال مضامین گوناگون قرار داده‌اند، به عنوان مثال: در بیت زیر، شاعر آسمان هفتمین را استعاره مصرحه از عقل آورده است که وجه شبه در هر دو سوی استعاره، جایگاه و مرتبه‌ی والا و بلند می‌باشد:

می خوانمت به نام تمام ستارگان ای آسمان سوخته‌ی هفتمین من
(کاکایی، ۱۳۸۹: ۱۸۷)

یا در بیت زیر، شاعر به زیبایی توانسته است از واژه‌ی آسمان برای به تصویر کشیدن صحنه‌های نبرد رزمندگان دلیر استفاده نماید و آسمان (که به نوعی مظهر آرامش و لطافت است) با خلق تشبیهی بلیغ و بدیع به حریری مانند کرده که صدای تانک‌های دشمن آن را آشفته کرده است:

صدای غول‌های آهنین چرخ حریر آسمان را چنگ می‌زد

(سپیدنامه، ۱۳۸۶: ۴۱)

گاه شاعر، آسمان را وسیله‌ای برای بیان عواطف انسانی و مضامین عاشقانه قرار داده است؛ چنانکه در بیت زیر، دل خود را در گستردگی به آسمان تشبیه کرده است که جایگاه خورشید درخشان عشق یار است:

ای مرکز ثقل کهکشان دل من! خورشید بلند آسمان دل من!

(صفر بیگی، ۱۳۸۹: ۴۹)

۲.۱. خورشید

خورشید (شمس) نام یکی از ایزدان مزدیسا است و در بخش‌های اوستا از آن سخن رفته و فرشته فروغ و روشنایی و مهر و با صفت «تیز اسب» معرفی شده است. در منابع کهن علامت اقتدار سلطنت و بقای ایران زمین بوده است و به عنوان مظهر مملکت بالای چادر شاه و حتی بر روی درفش نقش خورشید قرار داشته و در ادبیات فارسی خورشید منبع پرتو افشانی و مظهر کمال زیبایی و بلندی است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۳۸). خورشید یکی از مهم‌ترین عناصر فلکی است که شاعران ایلامی در اثنای اشعارشان به آن اشاره داشته‌اند و برای زیبا سازی کلام خود و نیز مجذوب کردن مخاطب از آن بهره برده‌اند. یکی از مضامین بسیار رایجی که شاعران ایلامی به طریق استعاره و با واژه‌ی خورشید بیان می‌کنند، آن است که خورشید را استعاره از شخصیت‌های دینی چون پیامبر خاتم (ص) و اهل بیت (ع) قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، این شیوه بخش عمده‌ای از معانی استعاری شعر شاعران ایلامی را به خود اختصاص داده است:

روی تل، خورشید ممکن شد شبیه قرص ماه بی‌مثال و بی‌قرین و بی‌رقیب و بی‌نظیر

(سپیدنامه، ۱۳۹۰: ۳۸)

خورشید در بیت بالا، استعاره‌ی مصرحه از پیامبر (ص) می‌باشد.

علاوه بر پیامبران و امامان، شاعر گاه خورشید را استعاره‌ی مصرحه از شهیدان قرار داده است:

به دیده گفتم در این بیابان پی مزار کس نگردد از آفتابی که شعله‌ور شد، به غیر خاکستر نماند

(کاکایی، ۱۳۶۹: ۴۴)

گاهی خورشید در قالب عنصر تشبیه مدنظر شاعر قرار می‌گیرد. برای مثال: در بیت زیر، شاعر برای نشان دادن عظمت و بزرگی حضرت محمد (ص) و اینکه آن حضرت منبع نور و حیات است و دیگر موجودات روشنایی خود را از آن حضرت می‌گیرند، وجود مبارکش را به خورشید مانند کرده است:

محهمده تفلّی پا شهل پیهر بوّ عالم ئاساره ئه و ته‌نیا خوهر بوّ
(امیدی، ۱۳۸۷: ۴۵)

واژه‌ی آفتاب در زبان شاعران ایلامی، در کاربرد کنایی نیز به کار رفته است و از جمله ترکیبات کنایی ساخته شده به وسیله‌ی واژه‌ی آفتاب، ترکیب کنایی «آفتابی شدن» است که کنایه از آشکار شدن می‌باشد و شاعر در این معنی آورده است:

مه غلیظ / برف از نفس افتاده / تنها کارگرانند / که یک به یک آفتابی می‌شوند (رستم پور، ۱۳۸۹: ۲۲)

۳.۱. ستاره

ستاره یکی دیگر از عناصر آسمانی است که شاعران ایلامی در شعر خود با نام‌هایی چون اختر و کوكب از آن یاد کرده‌اند و در تصویرسازی‌های خود بسیار به آن توجه داشته‌اند. به عنوان مثال: شاعر در بیت زیر کوكب را استعاره مصرحه از شهیدان و آزادگان کربلا قرار داده است:

از غم خورشید و کوكب‌های عاشورا آسمان خاموش و خالی از شباهنگ است
(داودیان، ۱۳۹۰: ۶۷)

گاه شاعر ستاره را استعاره‌ی مصرحه از اشک آورده و این تصویر در شعر شاعران ایلام بسیار نمود یافته است. برای مثال:

ربطی به خاطرات من دارد این شعر که نمی‌گذارد بی‌ستاره بخوابم
(بخشوده، ۱۳۸۹: ۱۸)

شب گم شده در سیاهی چشمانت شد رود ستاره راهی چشمانت
(صفریگی، ۱۳۸۶: ۴۶)

یا در بیت زیر، واژه‌ی ستاره کاربردی تشبیهی یافته است و شاعر با تشبیه مضمّر خود را به آن مانند کرده است:

من و ئاساره هه‌ردگ دل په‌شیویم زه‌مین و ئاسمان نه‌ی‌رئ خه‌ریویم
(بخشوده، ۱۳۸۹: ۳۴)

گاه شاعران در تصویرسازی‌های متنوع خود با واژه‌ی ستاره به آرایه مجاز نیز توجه داشته‌اند، به عنوان مثال: در بیت زیر که به جنگ و نزاع فلسطین با اسرائیل و سقوط دولت اسرائیل اشاره دارد، شاعر با علاقه‌ی جزء از کل، ستاره را مجاز از پرچم اسرائیل قرار داده است:

نزاع سنگ و ستاره / سقوط جنین / در خمیازه‌ی هولناک خوابی عربی / مسیح (ع) و محمد (ص) در مسلخ
یهود / و سقوط ستاره‌ی داود (کاکایی، ۱۳۸۹: ۴۲)

۴.۱. ماه

در آیین زرتشتی ماه پاسدار ستوران و حامل نژاد آنان است و در ابیات فارسی ماه بیشتر مظهر زیبایی،
روشنی و نمونه علو و بلندی است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۷۴۴). در شعر شاعران ایلامی ماه نیز چون آفتاب به
عنوان مهم‌ترین عناصر آسمانی تبلور ویژه‌ای داشته است. شاعر ایلامی ماه را دست مایه‌ی انتقال مضامین
گونگون قرار داده است. یکی از مضامین رایجی که شاعر ایلامی به کمک استعاره و تشبیه و به وسیله‌ی
ماه بیان می‌کند، این است که ماه را استعاره از معشوق و محبوب خود قرار می‌دهد و یا معشوق و محبوب
خود را به ماه تشبیه می‌کند:

وقتی که راه می‌روی ای ماه در زمین / خم می‌شوند پیش تو عالی جناب‌ها
(سپیدنامه، ۱۳۸۹: ۸)

چو شه‌ونم ده شوون ته‌ترت ئاوارهم / تو وینه‌ئ مانگی منیش ئاساره‌م
(بخشوده، ۱۳۸۹: ۵۲)

گاه شاعر با نسبت دادن صفات انسانی به ماه، آن را به صورت استعاره مکنیه یا تشخیص به کار می‌برد، برای
مثال در بیت زیر، در اهمیت و بزرگی حرم سبز امام حسین (ع)، ماه را چون بنده‌ای حلقه به گوش،
فرمانبردار زمین بیان داشته است:

ای حرم سبز تو قبّه‌ی دوش زمین / ماه از آن قبّه شد حلقه به گوش زمین
(کاکایی، ۱۳۸۹: ۲۳۶)

۲. عناصر طبیعی زمینی و تجلی آن در شعر شاعران ایلامی

عناصر زمینی که به عنوان دومین عنصر از عناصر طبیعی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به دو
بخش عناصر مکانی چون: کوه و دشت و ... عناصر غیر مکانی که خود به دو دسته‌ی جمادات چون: زمین،
سنگ، چوب ... و نباتات چون: انواع درختان، گل‌ها و گیاهان تقسیم شده است.

۱.۲ عناصر مکانی

۱.۱.۲ دشت

شاعران ایلامی دشت را دست مایه‌ی انتقال مضامین گوناگون شعری خود قرار داده‌اند و با نام‌هایی چون
صحرا، بیابان، کویر و وادی از آن یاد نموده‌اند. البته، در این تصویر سازی‌ها، واژه‌ی دشت بیشتر در قالب
استعاره مکنیه و تشخیص کاربرد یافته است. به عنوان مثال: شاعر در بیت زیر که تصویری از سال‌های جنگ

و به شهادت رسیدن یارانش را به نمایش گذاشته است، ترکیب اضافی شانه‌های دشت را به صورت استعاره
مکنیه یا تشخیص آورده است:

آن روزهای سرد و کولاکی / یاران خوب من / عاشق‌ترین بودند / آلاله‌هایی سوخته بر شانه‌های دشت /
روشن‌ترین شمع زمین بودند (بخشوده، ۱۳۸۶: ۱).

شاعر در بیت زیر و به زیبایی با تشبیه بلیغ، دست بی بهره و بی نصیب از باغ دامان امام زمان (عج) را به
هامون تشبیه کرده است:

آمدی اما چرا هامون دستم از نصیب باغ دامان تو دور است
(داودیان، ۱۳۹۰: ۴۰)

یا در بیت زیر، شاعر در کاربردی کنایی از واژه صحرا، عبارت «سربه بیابان گذاشتن» را کنایه از «آواره و
درمانده شدن» آورده است:

چم ده لافه و که متره بیلا بچم دی نامه‌وه سهر بنم ته‌نیا وه سارا وهی دل پرزماه‌وه
(بخشوده، ۱۳۸۹: ۱۴)

۱.۲.۲. کوه

کوه‌ها با قله‌های رفیع، از جمله عناصر طبیعی هستند که شاعران ایلامی بسیار به آن توجه داشته‌اند و علت
این امر، بی شک زندگی زیبای مردمان ایلام در دامنه‌ی کوه‌های زاگرس بوده است که از گذشته تا امروز
ادامه یافته است. «شاعران برای هنرنمایی و سرگرمی به توصیف کوه‌ها پرداخته‌اند. هنگامی که از تلخ
کامی‌ها، نامرادی‌ها و وضعیت نابهنجار اجتماعی و معیشتی آزرده و بازتاب ذهنی خود را در توصیف کوه-
ها (که نماد ایستایی و اقتدار می‌باشد) منعکس نموده‌اند» (بهادری، ۱۳۸۵: ۱۱۰). آری شاعران ایلامی، کوه-
ها را بهترین وسیله برای خلق تصویرهای گوناگون و ماندگار شعر خود قرار داده‌اند. برای مثال: شاعر در
ابیات زیر، کوه و قله را (که نماد استواری و مقاومت) هستند، استعاره از سنن و آیینی آورده که روزگاری
مردم به آن‌ها سخت پایبند بوده‌اند و اکنون به دست فراموشی سپرده شده‌اند:

زانو بزن ای کوه! فرو ریخته یالت باید که بینیم از این پس به خیالت
عمری به تماشای شکوه تو تلف شد با این همه، ای قله‌ی دیروز! حلال
(کاکایی، ۱۳۸۹: ۹۲)

در بیت زیر، شاعر در بیان مضامین آیینی از واژه‌ی کوه بهره جسته و کوه طلا را استعاره‌ی مصرحه از گنبد
طلایی بارگاه حضرت علی (ع) قرار داده است.

یاخزر زنده‌ی مال یه پا خه‌له‌ف یا دلدل سوارتلاکو و نه‌جه‌ف

(امیدی، ۱۳۸۷: ۶۴)

یا در بیت زیر، شاعر «قلارنگ» و «مانشت» را که از کوه‌های معروف ایلام می‌باشد، در کاربردی استعاری به زیبایی هرچه تمام تر تشخیص بخشیده است:

قلارنگ نورئ وه رۆ نازوه مانیشته وهئ کراس یه قسه وازه وه
(همان: ۱۷۸)

و گاه کوه «قلا قیران» را به جهت دورافتادگی و تنهایی در گوشه غربی ایلام، به عارفی گوشه نشین و معتکف تشبیه کرده است:

عارفان ده سوور داسهئ پیواره نه جائ ته وافی نه ری پیواره
(همان)

۲.۲. عناصر غیر مکانی

۱.۲.۲. جماد

۱.۱.۲.۲. سنگ

شاعر در بیت زیر و در تصویری استعاری، شور و شوق سنگ را برای دریافت سخنان دلآور مردانی که بی صدا در آغوش خاک خفته‌اند، بیان کرده است و به این ترتیب واژه‌ی سنگ را به صورت استعاره مکنیه یا تشخیص به کار برده است:

روزهاست در هوای حرف‌های تان گوش سنگ می‌تپد صدای تان کجاست؟
(کاکایی، ۱۳۷۵: ۴۸)

شاعر در بیت زیر و در ترکیبی تشبیه‌ی، سینه‌ی سخت و بی رحم معشوق را به سنگ سیاه مانند کرده است:

با من هزاران بال بود و رنگ پرواز سنگ سیاه سینه‌ات سنگین مان کرد
(داودیان ۱۳۹۰: ۲۳)

واژه‌ی سنگ در بیت زیر، کاربردی کنایی به خود گرفته است و در عبارت «سر به سنگ خوردن» به کار رفته است. این ترکیب کنایی زمانی کاربرد دارد که از انجام کار یا عملی پشیمان شده باشیم:

عاشق بشویم هرچه بادا بادا! گاهی سر ما به سنگ باید بخورد
(صفریگی، ۱۳۸۶: ۶۳)

۲.۲.۲.۲. نبات

۱.۲.۲.۲. باغ

گاه شاعر ایلامی در مذمت دنیا و مافیها، باغ را استعاره‌ی مصرحه از دنیا قرار می‌دهد و چنین زیبا می‌سراید:

یاد آن شاعر سرسبز سفر کرده بخیر که بجز داغ در این باغ ندید ای ساقی
(یاسمی، ۱۳۷۴: ۲۰)

قفس باراند اینجا شاخه‌های باغ آهن پوش رهای باغتان را فرصت یک سیب چیدن هست؟
(داودیان، ۱۳۹۰: ۴۲)

گاه شاعر واژه‌ی باغ را به صورت استعاره مکنیه به کار برده است. برای مثال در بیت زیر:

چند روز ست که از غربت باغ علف هرزه صنوبر شده است
(کاکایی، ۱۳۷۵: ۵۸)

۳.۲.۲.۲. بلوط

شاعر ایلامی در بیان صبر و مقاومت مردم ایلام و در کاربردی نمادین درخت بلوط را که در میان مردمان زاگرس نشین نمادی از صبر و مقاومت است، به انسانی مانند کرده است که به خلوت و گوشه نشینی پرداخته است:

مردمان در مصیبت‌ها سکوت هم‌نوا با خلوت سبز بلوط
(سپیدنامه، ۱۳۸۶: ۴۸)

یا در بیت زیر، شاعر به لحاظ استواری و پایداری، خود را به بلوط تشبیه کرده است:

کوردم چه‌م‌ئه و دال گمه وی شه برامه مه‌ئ‌نم نه‌کهن ئه‌ر جوور به‌رؤ ده‌ئ‌ره و سامه
(بخشوده، ۱۳۸۹: ۳۰)

۴.۲.۲.۲. سرو

درخت زیبای سرو در شعر شاعران ایلامی، بیشتر در مضامین مربوط به دفاع مقدس و به صورت استعاره‌ی مصرحه از شهیدان آورده شده است:

راستی آن جنگل مغرور و توفانی کجاست؟ ردپای سروهای سبز پیشانی کجاست؟
(کاکایی، ۱۳۷۵: ۸۵)

ای سرو سبز پوش سبکبار ای نخل زخم خورده‌ی ایثار

(کاکایی، ۱۳۶۹: ۵۷)

یا در بیت زیر، شاعر در کاربردی تشبیهی معشوق خود را به سرو مانند کرده است:

ئه گهر سه و لئی، ئه گهر مانگی، ئه گهر گول
په ری قاقه ز بنو سن، به ئ وه بلبل
(بخشوده، ۱۳۸۹: ۷۶)

شاعران ایلامی، علاوه بر بلوط و سرو، باددرختان دیگر چون بید، سپیدار، صنوبر و ... نیز تصویر سازی کرده اند که برای پرهیز از طولانی شدن مقاله، از ذکر مثال خودداری می‌ورزیم و در قسمت جدول‌ها و نمودارها به میزان استفاده شاعران ایلامی از این عناصر اشاره می‌کنیم.

۵.۲.۲.۲. لاله

شاعران ایلامی از میان انواع گل‌ها، توجه خاصی به گل لاله داشته‌اند و به تبعیت از سنت دیر پای شعر فارسی، یکی از مضامین رایجی را که به وسیله ی این گل سروده‌اند، کارکرد استعاره‌ی مصرح‌های است که از آن معنای شهید را به دست داده‌اند:

با دم گرم من بزن، زخمه به جان تار خویش
باز آهنگ لاله‌ها، دارد از یاد می‌رود
(کاکایی، ۱۳۶۹: ۶۴)

بر مزار لاله‌های بی کفن
بارها و بارها باید گریست
(قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۲۶)

بیشترین تصویر آفرینی شاعران ایلامی با استفاده از گل زیبای لاله، در صنعت تشبیه نمود یافته است که بیشترین کاربرد آن در زمینه‌ی جنگ و نبرد با دشمنان و توصیف شهدا و گاه مضامین عاشورایی می‌باشد. برای مثال: شاعر در بیت زیر که به توصیف روزهای سخت جنگ پرداخته است، یاران و هم نبردان خود را به آلاله‌هایی سوخته تشبیه کرده است:

آن روزهای سرد و کولاکی / یاران خوب من / عاشق ترین بودند / آلاله‌هایی سوخته بر شانه‌های دشت
(بخشوده، ۱۳۸۶: ۱)

۳. عناصر اربعه و تجلی آن در شعر شاعران ایلام

دسته‌ای از عناصر طبیعی که شاعران ایلامی با استفاده از آن‌ها، به تصویر آفرینی پرداخته‌اند، عناصر اربعه یا چهار آخشیج؛ یعنی آب، آتش، باد و خاک است که در این قسمت سعی می‌شود که تنها به بررسی عنصر اصلی، مثلاً آب، پرداخته شود و از عناصر وابسته به آن چون: رودخانه، اقیانوس، باران، برف صرف نظر شود.

۱.۳. آب

یکی از رایج‌ترین مضامینی که با استفاده از عنصر آب در شعر شاعران ایلامی بیان شده است، واقعه‌ی کربلا و بیان خشک‌کامی‌های امام حسین (ع) و یارانش می‌باشد. در بیت زیر شاعر با بهره‌گیری از استعاره-ی مکنیه یا تشخیص، اندوه و حسرت آب را در مظلومیت و تشنگی اباعبدالله بیان می‌کند:

همان که آب تا روز قیامت از حسرت که ماند از کام خشکش همچنان ناکام می‌گرید
(سپیدنامه، ۱۳۹۰: ۲۶)

علاوه بر این، شاعر ایلامی گاه آب را برای بیان مضامین زیبایی‌عاشقانه به کار برده است:

آینگی آموخت مرا در گذر رنگ شبنم صفتی، آب خصالی که تو بودی
(سارایی، ۱۳۸۱: ۲۲)

در این بیت شاعر با آوردن صفت «آب خصال» در واقع، معشوقه‌ی خود را در لطافت به آب تشبیه کرده است.

از میان کاربردهای گوناگون آب در کارکرد صورخیالی آن، ترکیب کنایه‌ی «آب از آسیاب افتادن» است که شاعر در بیت زیر آن را در معنای از رونق افتادن به کار برده است:

به باد می‌رود این برگ‌ها و می‌بینی که آب حسن تو از آسیاب افتاده است
(یاسمی، ۱۳۷۴: ۵۲)

۲.۳. آتش

شاعران ایلامی در تصویرسازی‌ها شاعرانه‌ی خود، به واژه آتش به عنوان یکی از عناصر اربعه بسیار توجه داشته‌اند. شاعر گاه آتش را استعاره مصرحه از عشق قرار داده است:

یک حرف و دو حرف آتش را اول به زبانم افزود آنگاه چلیپایم را با دست خودم محکم کرد
(همان: ۲۳)

گاه شاعر آتش را وسیله‌ای برای بیان مضامین اجتماعی قرار داده است. به عنوان مثال: شاعر در بیت زیر، زنان ایلامی را که در اثر گرفتاری و برخوردهای نادرست اجتماع دست به خودسوزی زده‌اند، به تصویر کشیده است و ترکیب «آتش بدوشان» را استعاره مصرحه از آنان قرار داده است:

جای شگفی نیست اگر آتش بدوشان در بسترخاکسترآلودی بمیرند
(سپیدنامه، ۱۳۸۹: ۵۹)

مضامین عاشورایی، از جمله دیگر مضامین و مفاهیمی است که شاعران ایلامی با استفاده از واژه‌ی آتش و در قالب آرایه‌ی تشبیه به خلق آن پرداخته‌اند. برای مثال: در بیت زیر، شاعر بی‌قراری و التهاب خود را در غم شهادت یاران امام حسین (ع) بیان می‌کند و خود را به آتش شعله‌ور و برافروخته تشبیه می‌نماید:

ساقی امشب بی‌قرارم آتشم دردهای بی‌پناهی می‌کشم
آتشم من آتشی افروخته سینه‌ای دارم عزا اندوخته
(سپیدنامه، ۱۳۹۰: ۴۶)

۳.۳. باد

باد از جمله عناصر طبیعی است که به علت فراگیر بودن، نظر همه‌ی انسان‌ها به ویژه شاعران را به خود جلب کرده است. شاعران ایلامی نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند. و به همین دلیل می‌توان گفت، در شعر ایلام از میان عناصر اربعه، بیشترین تصویرآفرینی به وسیله‌ی باد انجام گرفته است. شاعران چه در توصیفات خود و چه در مضامین عاشقانه و انقلابی، باد را در معانی استعاره‌ی آن به کار برده‌اند. شاعر در ابیات زیر، به شیوه‌ی استعاره‌ی مکینیه یا تشخیص، صفات انسانی چون نجیب بودن و با اصالت بودن را به باد نسبت داده است:

دیگر از کرانه‌ها نمی‌وزد/ بادهای با اصالت شمال (کاکایی، ۱۳۸۹: ۳۱)

بی‌درنگ در روح نجیب باد پنهان بود بوی جنون، بوی تباهی، بوی شیطان بود
(همان: ۱۱۰)

شاعر ایلامی گاه نیز باد را به سبب سیال بودن و همه جا گردی، هرزه‌پو می‌خواند:

ما که رفتیم این چنین، گو بمانند آن چنان بیدهای لرزه‌کار، بادهای هرزه‌پو
(سارایی، ۱۳۸۱: ۷۱)

و یا در بیت زیر، شاعر بر آن بوده است تا تواضع و فروتنی شهید ولی زاده را در سینه خیز رفتن به سوی دختر جانبازش، به حرکت نرم و پوینده‌ی نسیم مانند کند:

همان که مثل نسیم ای عزیز می‌آید ز شرمساری تو سینه خیز می‌آید
(سپیدنامه، ۱۳۹۰: ۵۱)

۴.۳. خاک

خاک نیز در شعر شاعران ایلامی نمود خاصی یافته است و در تصویر سازی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از جمله تصاویر که شاعران ایلامی با استفاده از عنصر خاک و با بهره‌بردن از استعاره‌ی مکینیه به بیان آن

پرداخته‌اند، توصیف جنگ و سوزناکی فاجعه‌ی آن و شهادت و دلیری‌های شهدا می‌باشد که با زبانی رسا و شیوا سروده شده است.

جوشیدشعله زد به شتک از گلوی خاک خون که ریخت از تن پاکت به روی خاک

(سپیدنامه، ۱۳۸۶: ۳۸)

شاعر در این توصیف، برای خاک گلو و حنجره‌ای قایل شده است که خود نوعی استعاره مکنیه یا تشخیص است. شاعر در این بیت، بر این باور است که از بس خون شهیدان بر خاک جاری شده است که خون از گلوی خاک به جوش آمده و شعله کشیده است. هم‌چنین است در بیت زیر:

خاک هرگز لب نمی‌باید گشود راز مرگ لاله‌ها پنهانی است

(کاکایی، ۱۳۷۵: ۶۴)

یا در بیت زیر، شاعر خاک را به صورت اضافه تشبیهی و در قالب «خاک گناه» به کار برده است:

فرو رفت در خاک‌های گناه تمنای بالنده‌ی ریش‌هام

(سارایی، ۱۳۸۱: ۵۵)

۴. عناصر طبیعی زمانی و تجلی آن در شعر شاعران ایلام

شاعران ایلامی در توصیف طبیعت از زوایایی گوناگون، تصاویر رنگارنگی خلق نموده‌اند و با به کارگیری طبیعت و جلوه‌های آن به منظور القای اندیشه‌های متفاوت چشم اندازهای بکر و تازه‌را، در برابر دیدگان خواننده گسترانده‌اند. چنان‌که در این قسمت به بررسی عناصر زمانی چون: سپیده، شب، صبح و فصل‌هایی چون: بهار و پاییز که در شعر شاعران ایلامی جلوه‌ی خاصی دارند می‌پردازیم:

۱.۴. سپیده و سحر

شب، روز، سپیده و سحر به عنوان عناصر طبیعی زمانی، در شعر شاعران ایلامی بازتاب و تبلور خاصی دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بازتاب مصائب عاشورا اشاره کرد. شاعر ایلامی در بیان مفاهیم عاشورایی، سحر را استعاره‌ی مصرحه از امام حسین (ع) قرار داده است و بیان می‌کند که در اثر شهادت جان سوز آن حضرت، شب و تیرگی همدم و همنشین او شده است.

هم‌نشین شبام از رحلت جان سوز سحر روح غمخواری و افتادگی مرگ کجاست؟

(قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۳۰)

از دیگر کاربردها، پرداختن به مسائل اجتماعی است آن‌گونه که در بیت زیر شاعر، سپیده دم را که نمادی از وضعیت رو به سامان جامعه است به انسانی تشبیه کرده است که صبح راستین پیروزی در گلوگاه او قرار گرفته است و در حال طلوع و برآمدن است:

ای صبح راستین / بگذار تا بر آمدنت را / از گلوگاه سپیده دم فریاد کنم (یاسمی، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

۲.۴. شب

شب به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی زمانی، در شعر شاعران ایلامی و در شکل نمادین خود صورتی زنده و پویا دارد. شاعر گاه شب را وسیله‌ای برای بیان اوضاع نابسامان جامعه‌ای که تحت سلطه‌ی رژیم ستمگر است قرار داده است. برای مثال: شاعر در بیت زیر و به زیبایی، شب را استعاره‌ی مصرحه از رژیم ظالم و ستمگر آورده است:

بگسل ای سلسله، ای سلسله ممتد شب نوبتی باشد اگر نوبت فردا شدن است

(همان: ۷۴)

و یا در بیت زیر، چراغ شب و فانوس سحر را به ترتیب، استعاره مصرحه از ماه و خورشید قرار داده است :

تیره‌گون باد چراغ شب و فانوس سحر که بجز روشنی حجم هوا هیچ نکرد

(همان: ۱۲۴)

۳.۴. فصول

ایلام با طبیعت سرسبز و فصول متنوع چهارگانه؛ بهار با گل و سبزه‌های رنگارنگ، پاییز با زرد شدن برگ درختان، زمستان با سوز و سرمای خود و تابستان با حرارت گرم و سوزانش، زمینه‌های گوناگونی را برای تصویر سازی شاعران ایلامی، فراهم ساخته است. به عنوان مثال: شاعر گاه به بیان مضامین عاشقانه پرداخته و بهار را استعاره مصرحه از محبوب و معشوق خود قرار داده است که جامع آن نشاط و سرسبزی است:

خراب و خرد و خسته، دل شکسته در کنار غم بهارم را به یک دیدار کوتاه آرزو کردم

(سپیدنامه، ۱۳۸۹: ۴۸)

و گاه شاعر، خاطرات رنگارنگ و دل انگیز یار را به بهار تشبیه کرده است :

دلَم را این پرستوی غریب آشیان بر دوش بهار خاطرات خوانده تا افاق نامحدود

(همان: ۷۵)

یا در بیت زیر، شاعر پاییز را در بی رحمی به زلیخا مانند کرده است :

زلیخای بی‌رحم پاییز دریده است پیراهن من

(کاکایی، ۱۳۸۹: ۸۰)

چنانچه پیش‌تر توضیح داده شد طبیعت با تمام مظاهر آن در شعر شاعران ایلام نمود غیر قابل انکاری داشته است و شاعر آن را با اشکال مختلف در قالب‌های گوناگون به کار برده و اندیشه و احساس خود را در لابه لای آن عرضه نموده است.

در قسمت پیش به تحلیل و بررسی عناصری که بیشترین سهم را در تصویر سازی داشته‌اند پرداخته‌ایم و سعی شده است میزان و بسامد تصویرسازی شاعران ایلامی از طبیعت، به صورت جدول و نمودار نشان داده شود؛ چراکه این دو قالب بیانی به عنوان یک عنصر ایجازی در کلام محسوب می‌شوند و بدون شک نقش مهم و سازنده‌ای در تفهیم بهتر مطالب در کمترین زمان ممکن را دارند.

تقسیم بندی جدول‌ها بر اساس عناصر بیانی (استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز) صورت گرفته است و در هر قسمت چهار جدول (که بسامد کاربرد عناصر آسمانی، زمینی، اربعه و زمانی را بیان می‌کند) ترسیم شده است که مجموعاً شانزده جدول را تشکیل می‌دهند. سپس، نتیجه‌ای که از این جدول‌ها حاصل شده در قالب چهار نمودار نشان داده شده است که به خوبی گویای میزان انعکاس تصویرسازی با عناصر طبیعت، در شعر شاعران ایلام می‌باشد.

۱.۵. بسامد کاربرد آرایه‌ی استعاره در شعر شاعران معاصر ایلام

۱.۱.۵. عناصر آسمانی

موارد	آسمان		خورشید	رعد	ستاره	صاعقه	ماه	ابر
	آسمان	فلک						
فراوانی	۲۳	۸	۶۲	۱	۲۵	۲	۴۵	۶۳
درصد	۱۰	۳	۲۷	۴۳/۱	۱۱	۱	۱۹	۲۷

جدول (شماره ۱.۵): بسامد کاربرد عناصر آسمانی

چنان‌که ملاحظه می‌شود از میان عناصر آسمانی، بیشترین تصویر استعاری با واژه‌ی خورشید و ابر صورت گرفته است و کمترین تصویرسازی با واژه‌ی رعد است. لازم به ذکر است که شاعران از میان ستارگان مختلف، با ستاره‌ی ناهید، ستاره‌ی مشتری و ستاره‌ی قطبی تصویرسازی کرده‌اند که تحت عنوان کلی ستاره نمایش داده‌ایم.

۲.۱.۵. عناصر زمینی

موارد	مکانی				غیرمکانی							
	باغ جنگل	دشت	کوه	نخلستان	جمادات		نباتات					
					سنگ	زمین	انواع درخت	اجزاء درخت	انواع گل	گل		
فراوانی	۳۴	۲۴	۲۱	۲	۱۸	۱۷	۳۵	۸	۱۱	۸۳	۹۰	۱۵
درصد	۹	۷	۶	۱/۲۷	۵	۵	۱۰	۲	۳	۲۳	۲۵	۴

جدول شماره (۲.۵): بسامد کاربرد عناصر زمینی

در قسمت عناصر زمینی، بیشترین تصویر سازی با انواع گل ها و درختان می باشد که این امر بی شک به دلیل طبیعت سرسبز با گل های متنوع و گوناگون ایلام است که پهنه ی وسیعی برای تصویر سازی و مضمون آفرینی شاعران این خطه فراهم کرده است. در جدول بالا درختان گوناگون چون سرو و نخل ... و گل های متنوع چون اقاقی و نرگس ... را در مجموع با عنوان کلی انواع درخت و انواع گل نمایش داده ایم.

۳.۱.۵. عناصر اربعه

موارد	آب													
	آب	باران برف	برکه	جویبار	چشم ه	دریا	رود	ساحل	شبنم	مرداب	موج	آتش	باد	خاک
فراوانی	۶	۲۶	۱	۲	۷	۲۳	۱۷	۴	۶	۶	۱۲	۱۷	۱۲۸	۱۴
درصد	۱	۱۰	۱/۳۹	۱/۷۴	۳	۸	۶	۱	۱	۱	۴	۶	۴۷	۵

جدول شماره (۳.۵): بسامد کاربرد عناصر اربعه

در جدول فوق عناصر وابسته به عنصر آب، از جمله برف، باران، دریا، دریاچه و... تحت یک عنوان کلی (آب) بیان شده است که از آن میان پدیده ی باران و برف بیشترین و برکه کمترین کاربرد را داشته اند. آنچه در این میان بسیار جلب توجه می کند، بسامد بالای تصویر سازی با عنصر باد می باشد و این نشان از توجه ژرف شاعران ایلامی به این عنصر است و کمترین تصویر سازی نیز با عنصر خاک صورت گرفته است.

۴.۱.۵. عناصر زمانی

فصول						اوقات			موارد	
زمستان	پاییز	تابستان	بهار			شب	روز			
			اردیبهشت	فروردین	بهار		غروب	ظهر	سحر و صبح	
۳	۱۴	.	۲	۱	۹	۱۳	۲	۰	۱۸	فراوانی
۵	۲۲		۳	۲	۱۴	۲۰	۳		۲۹	درصد

جدول شماره (۴.۵): بسامد کاربرد عناصر زمانی

چنانکه مشاهده می‌کنیم عناصر زمانی به دو بخش اوقات و فصول تقسیم شده است که در بخش اول بیشترین تصویر استعاری با واژه‌ی صبح و سحر و کمترین با واژه‌ی غروب صورت گرفته و در بخش دوم به ترتیب بیشترین و کمترین تصویرسازی با فصل پاییز و زمستان است..

۲.۵. بسامد کاربرد آرایه تشبیه در شعر شاعران معاصر ایلام

۱.۲.۵. عناصر آسمانی

موارد	آسمان	آفتاب	ابر	رنگین کمان	ستاره	شهاب	صاعقه	کاهشان	ماه	نور
فراوانی	۱۵	۴۲	۱۸	۴	۱۲	۱	۵	۱	۳۴	۱
درصد	۱۱	۳۱	۱۳	۳	۹	۱/۷۵	۴	۱/۷۵	۲۵	۱/۷۵

جدول شماره (۵.۵): بسامد کاربرد عناصر آسمانی

تشبیه که مانند نمودن چیزی به چیز دیگر می‌باشد، به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تصویر ساز در شعر شاعران ایلام به مانند سایر شاعران ایران زمین، جلوه‌ای چشمگیر داشته است، به گونه‌ای که بعد از آرایه‌ی استعاره، بیشترین بسامد را در شعر آنان به خود اختصاص داده که از میان عناصر آسمانی، خورشید بیشترین استفاده را داشته است که این امر در مبحث استعاره نیز قابل صدق است. نور و کهکشان و شهاب به عنوان دیگر پدیده‌های آسمانی نمود کمتری داشته‌اند

۲.۲.۵. عناصر زمینی

موارد	مکانی				غیر مکانی							
	باغ باغچه و ...	جنگل	کوه دشت	مرتع ومزارع و گلشن و گلستان	جمادات		نباتات					
					زمین	سنگ (صخره)	انواع درخت	اجزا درخت	انواع گل	گیاه		
فراوانی	۳۱	۱	۴۲	۶	۴	۹	۲۶	۶	۳۷	۳۸	۱۵	۱۱
درصد	۱۳	/۴۴	۱۸	۲	۲	۳	۱۱	۳	۱۶	۱۶	۷	۵

جدول شماره (۶.۵): بسامد کاربرد عناصر زمینی

جدول عناصر زمینی با همان شیوه که در کل مقاله مشاهده می‌کنیم، به دو دسته‌ی عناصر مکانی و غیر مکانی تقسیم شده است که در قسمت نخست بسامد عناصری چون انارستان، باغ و کوه و دشت و در قسمت دوم که خود به دو دسته جمادات و نباتات تقسیم شده بسامد عناصری چون زمین، سنگ و صخره به عنوان جمادات و گل و گیاه و غیره به عنوان نباتات نمایش داده شده است که میزان تشبیهات ساخته شده با انواع گل‌ها و درختان بیشترین سهم را داشته است.

۳.۲.۵. عناصر اربعه

موارد	آب											خاک	
	آب	باران برف	جویبار	چشم برکه	دریا	یخ	ساحل	شبنم	مرداب	موج	آتش		باد
فراوانی	۸	۲۹	۲	۱۶	۴۷	۲	۱۰	۵	۴	۱۷	۳۹	۴۲	۱۶
درصد	۳	۱۲	۱	۷	۲۰	۱	۴	۲	۲	۷	۱۶	۱۷	۷

جدول شماره (۷.۵): بسامد کاربرد عناصر اربعه

چنان‌که ملاحظه می‌شود، بیشترین تصویر تشبیهی به ترتیب با عنصر آب به همراه زیر مجموعه‌های آن، عنصر باد، عنصر آتش و عنصر خاک می‌باشد. لازم به ذکر است که مواردی، چون نسیم، صبا، گردباد، تحت عنوان کلی باد آمده است. از این جدول می‌توان به تفاوت

عناصر اربعه در دو مبحث تشبیه و استعاره پی برد، به این صورت که شاعران در قسمت استعاره با باد و در قسمت تشبیه با دریا بیشترین تصویر سازی را داشته‌اند و سایر عناصرها (آتش و خاک) بسامد تقریباً یکسانی داشته‌اند.

۴.۲.۵. عناصر زمانی

فصول					اوقات			موارد	
زمستان	پاییز	تابستان	بهار		شب	روز			
			اردیبهشت	بهار		صبح	ظهر		غروب
۰	۱۱	۰	۳	۱۷	۸	۱	۰	۷	فراوانی
	۲۳		۶	۳۶	۱۷	۲		۱۴	درصد

جدول شماره (۸.۵): بسامد کاربرد عناصر زمانی

در جدول فوق، اوقات در مقابل فصول، آمار کمتری را نشان می‌دهد و در بخش فصول بهار بیشترین جلوه را در شعر شاعران ایلام داشته است که این درصد بالا با توجه به ویژگی‌های تأثیر پذیری که این فصل از سال دارد، غیر قابل انتظار نیست، برخلاف استعاره که بیشترین سهم از آن پاییز می‌باشد.

۳.۵. بسامد کاربرد آرایه کنایه در شعر شاعران معاصر ایلام

۱.۳.۵. عناصر آسمانی

ماه	کاهشان	ستاره	آفتاب	ابر	آسمان		موارد
					فلک	آسمان	
۵	۱	۴	۵	۷	۳	۱۱	فراوانی
۱۴	۳	۱۱	۱۴	۱۹	۸	۳۰	درصد

جدول شماره (۹.۵): بسامد کاربرد عناصر آسمان

جدول فوق، میزان بالای استفاده‌ی شاعران از واژه‌ی آسمان را نشان می‌دهد. سپس، ابر در مرتبه‌ی بعدی و به دنبال آن ماه و آفتاب، با یک درصد مساوی، بیشتر از ستاره و کاهشان به کار رفته‌اند.

۲.۳.۵. عناصر زمینی

غیر مکانی						مکانی		موارد
نباتات				جمادات		کوه	دشت	
گیاه	گل	درخت		سنگ	زمین			
		اجزاء درخت	انواع درخت					
۲	۱۷	۷	۱	۱۵	۸	۳	۴	فراوانی
۴	۲۹	۱۲	۲	۲۶	۱۴	۵	۷	درصد

جدول شماره (۵.۱۰): بسامد کاربرد عناصر زمینی

این جدول مانند سایر جداول گویای بازتاب بالای گل در مقایسه با سایر عناصر زمینی است. سنگ نیز با اختصاص دادن ۲۶ درصد به خود، در شمار عناصر پر کاربرد قرار گرفته است که این عنصر در قالب کنایه، بیشتر از تشبیه و کمتر از استعاره نمود یافته است.

۳.۳.۵. عناصر اربعه

خاک	باد	آتش	آب							موارد
			موج	مرداب	دریا	برف	باران	آبشار	آب	
۲۴	۹	۶	۱	۲	۱۲	۱	۷	۱	۲۲	فراوانی
۲۸	۱۰	۷	۱	۲	۱۴	۱	۸	۱	۲۶	درصد

جدول شماره (۱۱.۵): بسامد کاربرد عناصر اربعه

خاک در مفهوم کنایی بازتاب بارزی تری نسبت به سایر آرایه‌های بیانی در شعر شاعران این استان داشته است که مطالعه‌ی سایر جداول، این امر را به خوبی نشان می‌دهد.

۴.۳.۵. عناصر زمانی

فصول			اوقات			موارد
زمستان	پاییز	تابستان	بهار	صبح	شب	
.	۱	۰	۲	۱	۱	۳
۰	۱۴		۲۸		۱۴	۴۲

جدول شماره (۱۲.۵): بسامد کاربرد عناصر زمانی

جدول نشان می‌دهد که شاعران از میان اوقات، روز و از میان فصول، به بهار عنایت بیشتری داشته‌اند و انعکاس اوقات در مفهوم کنایی نسبت به فصول، بیشتر از استفاده‌ی آن در مفهوم استعاری و تشبیهی می‌باشد.

۴.۵. بسامد کاربرد آرایه مجاز در شعر شاعران معاصر ایلام

۱.۴.۵. عناصر آسمانی

ستاره		ابر	آسمان	موارد
ستاره ناهید	ستاره			
۱	۱	۱	۳	فراوانی
۱۶	۱۶	۱۶	۵۰	درصد

جدول شماره (۱۳.۵): بسامد کاربرد عناصر آسمانی

چنان‌که در جدول بالا مشاهده می‌کنیم، بسامد کاربرد آرایه‌ی مجاز در عناصر آسمانی نسبت به استعاره و تشبیه کمتر می‌باشد و در میان این عناصر، واژه‌ی آسمان هم‌چون جدول مخصوص کنایه، بیشترین سهم را داشته است

۲.۴.۵. عناصر زمینی

		غیر مکانی				مکانی		
		نبادات		جمادات		کوه	باغ	موارد
گیاه		گل	زمین	سنگ	آهن			
یونجه	چمن							
۱	۱	۱	۳	۲	۳	۱	۱	فراوانی
۸	۸	۸	۲۳	۱۵	۲۳	۸	۸	درصد

جدول شماره (۱۴.۵): بسامد کاربرد عناصر زمینی

در جدول فوق آنچه جلب توجه می‌کند، میزان استفاده‌ی اندک شاعران ایلامی از انواع گل‌ها و درختان می‌باشد، در حالی که در سایر جداول بیشترین سهم را به خود اختصاص داده بودند. در نگاه دیگر، آهن و سنگ در جدول فوق بیشترین کاربرد مجازی را یافته‌اند.

۳.۴.۵. عناصر اربعه

خاک	باد	آتش	آب		موارد
			باران	آب	
۱۵	۰	۴	۱	۳	فراوانی
۶۵		۱۴	۴	۱۳	درصد

جدول شماره (۱۵.۵): بسامد کاربرد عناصر اربعه

با نگاهی مختصر به جداول مربوط به عناصر اربعه در چهار قسمت، استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز، متوجه می‌شویم که عنصر خاک در کنایه و مجاز، بسامد بالایی دارد. با وجود این که، عنصر باد بسیار مورد توجه شاعران ایلامی بوده است ولی هیچ تصویر مجازی با باد صورت نگرفته است.

۴.۴.۵. عناصر زمانی

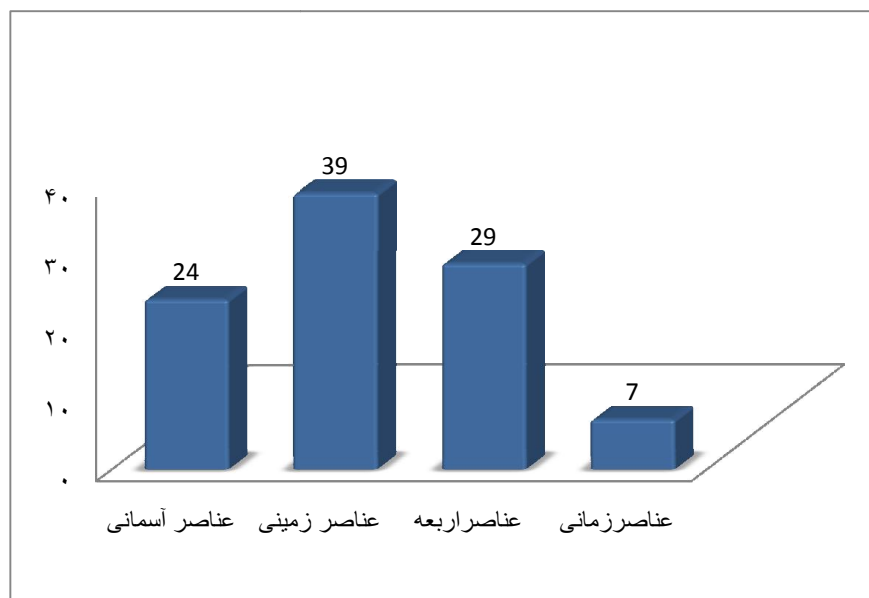
فصول								اوقات	موارد
زمستان			پاییز	تابستان	بهار			روز	
اسفند	بهمن	دی			خرداد	اردیبهشت	فروردین	صبح	
۰	۰	۲	۰	۰	۰	۱	۱	۳	فراوانی
		۲۸				۱۴	۱۴	۴۳	درصد

جدول شماره (۱۶.۵): بسامد کاربرد عناصر زمانی

چنان که می‌بینیم، شاعران ایلامی با فصول سال تصویر مجازی بیان نکرده‌اند و تنها به ماه دی و اردیبهشت و فروردین، توجه داشته‌اند و در میان اوقات تنها با صبح تصویرسازی کرده‌اند.

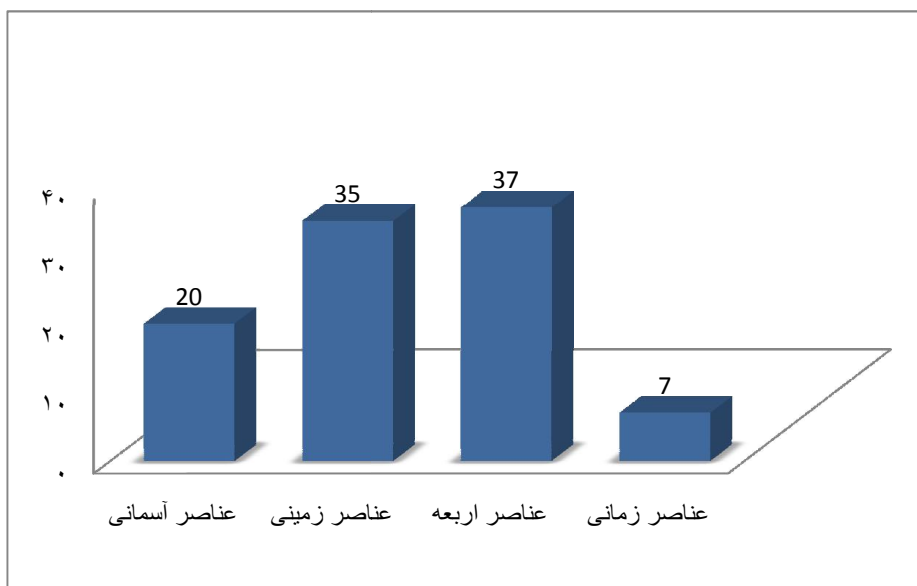
۱.۶. بسامد کاربرد بیان در شعر شاعران معاصر ایلام به صورت نمودار

۱.۱.۶. استعاره



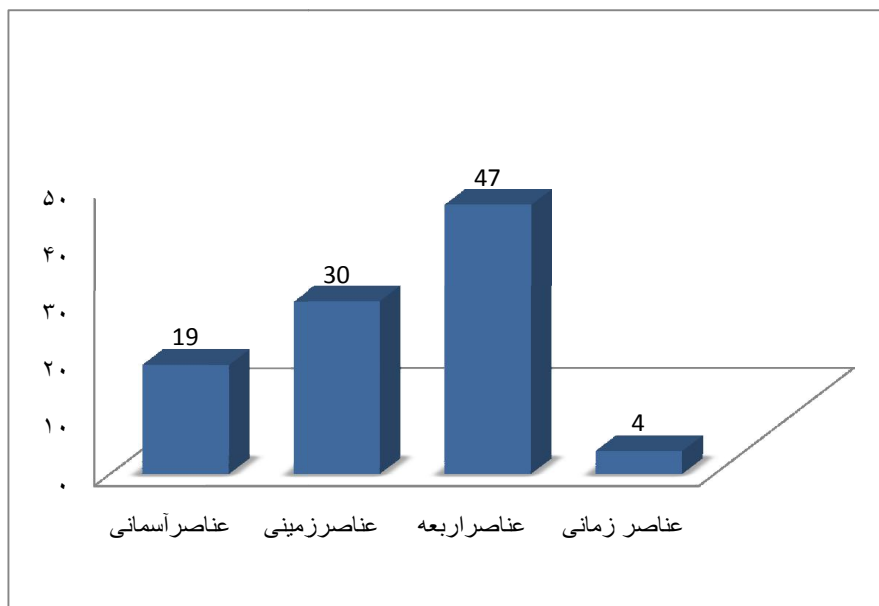
نمودار شماره (۱.۶): بسامد کاربرد استعاره

۲.۱.۶. تشبیه



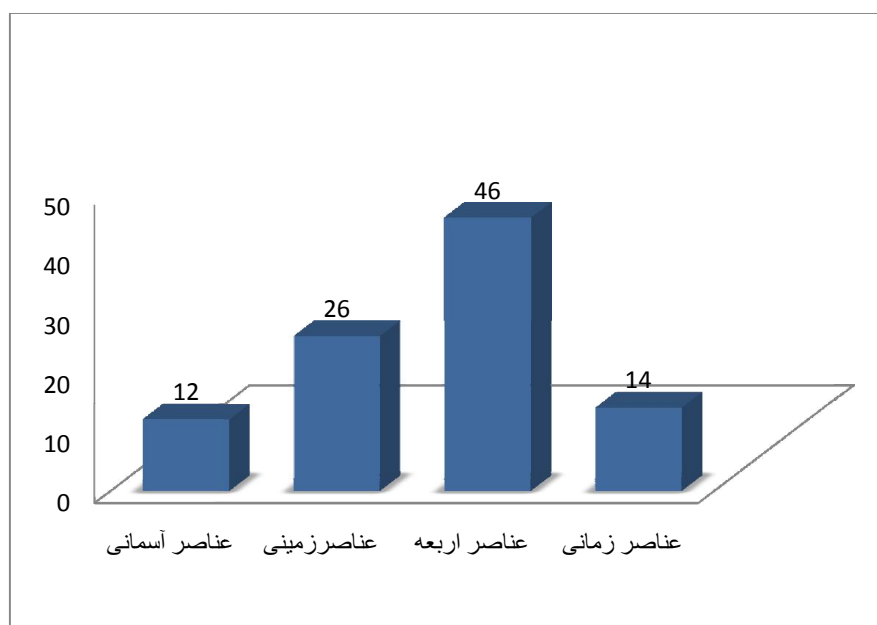
نمودار شماره (۲.۶): بسامد کاربرد تشبیه

۳.۱.۶. کنایه



نمودار شماره (۲.۶): بسامد کاربرد کنایه

۴.۱.۶. مجاز



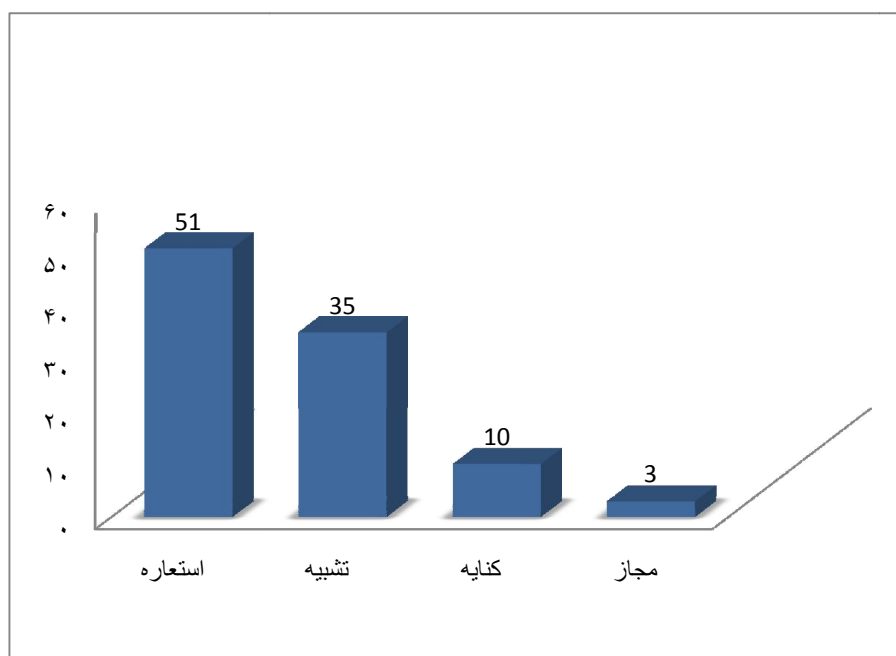
نمودار شماره (۴.۶): بسامد کاربرد مجاز

۱.۷. میزان انعکاس آرایه بیان در شعر شاعران معاصر ایلام به صورت جدول

مجاز	کنایه	تشبیه	استعاره	موارد
۴۹	۱۸۶	۶۴۳	۹۱۸	فراوانی
۳	۱۰	۳۵	۵۱	درصد

جدول شماره (۱۷.۵): آمار کلی میزان انعکاس آرایه بیان

۲.۷. میزان انعکاس آرایه بیان در شعر شاعران معاصر ایلام به صورت نمودار



نمودار شماره (۵.۶): میزان انعکاس آرایه بیان

نتیجه گیری

از مطالعه و بررسی شعر شاعران ایلامی چنین برمی آید که بسامد تصویرسازی با عناصر طبیعت در شعر آنان نمودی فراوان دارد که می توان آن ها را - از دیدگاهی - در چهار مقوله ی عناصر آسمانی، عناصر زمینی، عناصر اربعه و عناصر زمانی دسته بندی نمود. در این میان، کاربرد عناصر اربعه در این آثار بیشتر است که بی شک دلیل این امر، حضور همیشگی و مداوم این عناصر در طبیعت و تماس مستقیم شاعر با آن ها می باشد. از دیگر سو، کمترین تصویر سازی در شعر شاعران ایلامی با عناصر زمینی چون جمادات صورت گرفته است.

چنان که از نمودارها نیز قابل دریافت است، دامنه ی استعاره در شعر شاعران ایلامی بسیار وسیع است، آنان به کمک تصویرهایی که عناصر آن برگرفته از طبیعت و پدیده های آن است، استعارات رنگارنگ و زیبایی را آفریده اند و در میان انواع استعاره به دلیل گرایش شاعران ایلامی به تشخیص و شخصیت بخشی به عناصر بی جان، استعاره ی مکینه بیشترین کاربرد را دارد.

تشبیه در آثار شاعران ایلامی بسامد کمتری نسبت به استعاره دارد و از انواع مختلف تشبیه، تشبیه بلیغ جلوه- ای خاص یافته است. کنایه و مجاز بعد از استعاره و تشبیه، به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را داشته‌اند، به طوری که کنایه ده درصد و مجاز سه درصد صورخیال را در شعر شاعران ایلامی تشکیل داده‌اند. از آنجا که شعر و ادبیات به طور مستقیم و غیر مستقیم برگرفته از اجتماع و مسائل اجتماعی می‌باشد، شاعران ایلامی نیز در اشعار خود طبیعت را به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای القای مضامین اجتماعی و بیان رویدادها و وقایعی، چون هشت سال دفاع مقدس و واقعه‌ی کربلا و . . . قرار داده‌اند. همچنین گاه برای بیان مضامین انسانی و عاطفی از عناصر طبیعی به زیبایی بهره برده‌اند. می‌توان گفت: شاعران ایلامی در ذکر عناصر طبیعت، کمتر به توصیف خود طبیعت پرداخته‌اند و بیشتر آن را وسیله‌ای برای بیان اندیشه‌های شاعرانه‌ی خود قرار داده‌اند.

منابع و مآخذ

- ۱- بخشوده، حبیب الله، (۱۳۸۹)، چیزی شبیه ابر، تهران: انتشارات شاهد.
- ۲- _____، (۱۳۸۶)، دخترم باران، تهران: انتشارات فصل پنجم.
- ۳- _____، (۱۳۸۹)، که پوو، ایلام: انتشارات زانا.
- ۴- بهادری، محمدجلیل، (۱۳۸۵)، لیسک زهرین، ایلام: انتشارات رامان باهمکاری دانشگاه آزاد اسلامی ایلام.
- ۵- حمیدیان، سعید، (۱۳۸۱)، داستان دگردیسی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۶- داودیان، نعمت الله، (۱۳۹۰)، برای من که دلگیرم، ایلام: انتشارات زانا.
- ۷- رجایی، محمد خلیل، (۱۳۵۹) معالم البلاغه، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۸- رستم‌پور، محمد رضا، (۱۳۸۲)، از زبان زخم‌ها، تهران: انتشارات دفتر شعر جوان.
- ۹- _____، (۱۳۹۰)، نام دیگر نیامدن، ایلام: انتشارات زانا.
- ۱۰- سارایی، ظاهر، (۱۳۸۱)، به هر چه تازه سلام، تهران: انتشارات بستان.
- ۱۱- سارایی، ظاهر و کامران، محمد رحیمی، (۱۳۸۱)، تاریخ ادبیات ایلام.

- ۱۲- سپیدنامه، بهروز، (۱۳۸۶)، از زمین باران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.
- ۱۳- _____، (۱۳۹۰)، عقیق و ارغوان، تهران: انتشارات آرام دل و صیام.
- ۱۴- _____، (۱۳۸۹)، و عشق این ماه سرگردان...، مشهد: انتشارات شاملو.
- ۱۵- سنایی، یاسر، (۱۳۸۷)، گردآوری، شرح و ترجمه‌ی دیوان ولی محمد امید، ایلام: انتشارات رامان.
- ۱۶- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۷)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۷- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، بیان، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۱۸- صفربیگی، جلیل، (۱۳۸۶)، کم کم کلمه می شویم، ایلام: انتشارات برگ آذین.
- ۱۹- _____، (۱۳۸۹)، و، مشهد: انتشارات سپیده باوران.
- ۲۰- صیدی، عباس، (۱۳۸۸)، انگاره‌های فرهنگی، ایلام: انتشارات برگ آذین.
- ۲۱- _____، (۱۳۸۹)، مغازه در خون، ایلام: انتشارات برگ آذین.
- ۲۲- فتوحی، محمود، (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات برگ آذین.
- ۲۳- قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، از گلوی گل و گلوله، ایلام: انتشارات برگ آذین.
- ۲۴- _____، (۱۳۸۴)، برانگیخته باعشق، ایلام: انتشارات اداره‌ی فرهنگ و ارشاد ایلام.
- ۲۵- کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۶۹)، آوازه‌های واپسین، تهران: نشر همراه.
- ۲۶- _____، (۱۳۷۵)، حتی اگر آینه باشی، تهران: انتشارات اهل قلم،
- ۲۷- _____، (۱۳۸۹)، حق با صدای توست، تهران: انتشارات اتکا.
- ۲۸- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: انتشارات هما.
- ۲۹- یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها، تهران: انتشارات فرهنگ اساطیر.
- ۳۰- یاسمی، بهروز، (۱۳۷۴)، همان گناه همیشه، تهران: انتشارات اهل قلم.

**MAKING NEW CONCEPTUALIZATION AND
THROUGH NATURAL ELEMENTS BY ILAM POET**

AR. Shohany¹

M. Takesh^۲

Abstract

From time immemorial, man has been in contact with nature and its effects. And it affects all aspects of human thought, in particular, has risen dramatically in the literary and artistic works. Ilami poets are said to be related to the nature. Ilami poets have lived in the lap of nature with high mountains and the effects of nature in their poetry have appeared in literary elements .

the nature of the image is centered on a heavenly four elements of earth, the four elements of time, the four elements and the form of metaphor, simile, and irony in poetries of dozen poets of Ilam. These studies show that the Ilami poets are used as a tool to express the nature of events and the events of social and romantic themes. its content in the form of metaphor and irony in comparing the effects are more limits.

Key words: nature, natural elements, contemporary poetry Ilam, illustration.

assistant professor of ilam university ¹
A.M Persian litratur ^۲